



۶۸۸

محمد عبد الرحمن ابرار

مانٹریال کتبستان

جلد بازی ۲۵ ستمبر ۱۹۷۴

mafāTih-al-Adab Fī Tawārīkh-al-ʿArab

Muhammad 'Alī "Āfī"

۱۳۱۷ AH



207 pp

13 lines per page

Finished Friday,
29 Shavvāl, 1316 AH
April 23, 1897

L19

A 22.50
370 | 735

D. M. A. P. Barker
Montreal, Quebec, Canada

Aug. 11, 1964



تقریر

تقریری است که خامنه پسر چارخیز جفایق و مراد نصایب پسر بابک ابا میرزا محمد
ملقب بدکاء الملک مخلص نصر و غی دام مجده العالی نگاشته

مفاتیح الادب فی تواریخ العرب که در حبس و فرموده جناب طالب اجل اکرم و حضرت
کردون هفت نسل مفهم صاحب کتب و معظم مولی الناس و المفاخر و الهم فی نظام السلطنة و وزیر
عدلیه عظمی و تجارت کل ممالک محروسه بران صاحبها الله عن الحدان بالف و طبع کشته
از آثار فایده و مؤلفات بدیع مرافقه مجمع الفضائل و جامع الفواضل نافذ بقود ال
و ناظر مناظر الکمال معتمد السلطان محمد علیخان ^{بیدیه} شریف مختصر عباری خلف الصدق
حبیب محبت کرم بدیع الامراء العظام الکرام جناب جلالت نصایب ازل مقدم
حاجی احمد خان سید صاحب الفاتح و ماثر جلیل است ام اجلاله که لهما
در هوا حی عثمان و بناد فارس و بوزیرت و امارت اشتغال داشته و کتابی است منتخب
و تکرار شیعی و رساله مطبوع و کجینه مشون بواقیت و لالی اطالیات و معلومات
که اینها که در عالم علم تاریخ و جغرافی و کتاب غیرها اهل خبرت بصیرت قدر
ان دانند و در هر ورق و صفحه حرفهای راست در دست مطالب شریفه
خوانند و از روی واقع چون شخص خواهد از حال بزرگی و مزایای نیک با خبر
و آنچه گوید از روی سندی معتبر گوید و اند این گفته ناچه حدس است و این
نوشته با کجمازین و پس از آنکه این نکته دانسته شد بهج و شیعی نویسند
کرد و زحمت و مجاهدت ساعی منظور اید
اگر ادب معترض نبود و شاعر دانا نبود نام و نشان نیز از سکندر و دلا

بود دانش فاضل هماره پیش فانی بود ز کشته کامل همیشه عبرت کانا
 و مخصوصاً چون جاب مغایر نصاب انش پناهی حاجی احمد خان مدد العمر
 بکفایت و کاردانی بصدافت و جانفشانی در کار برداختن خدمات دولت
 معظمه ایران و سلطنت با عظمت ممالک محروسه ها الله عن الحدیث بود
 نتایج تجارب و زحمات خویش را لفظاً معنایاً طبع و طبیعت فرزند
 احمد خود مؤلف این جعقه سنیه نموده و از آنجا که ترجمه حال این وارزنده
 گوهر و فرورنده اختصر یعنی پدر و پسر پسندیده سیر در این سفینه معانی
 مخزون و مسطور است بکار از ارقیله لزوم مالا یلزم دانند و فقط
 طالبان کمالی و معرفت را بمطالعه این جعقه در بری که از شوائب نفس
 و معایب عری است دعوت کند و خواند و امر و زکوة طبعی با جمل
 نسا زوجه قدر غنیمت است که شخص تفرات این اوراق فرخنده اشرا
 پردازد و از هر غصن آن ثمری شیرین خورد و بهر هره دلنشین برد چه
 معارف را از هر مرز شاخ که سر بیرون آید و راه جلوه سپارد خار کمرش
 و غیر آن مصر سعادت را خواهر شدن از پیجوی است و دانستند از این
 بری و مرد هری همه چیز خوانت و همه چیز خوان همه چیز دانست و خوانند
 از جیل کرام و داننده مقدمی همام بل علمی از اعلام فحام و السلام
 والا کرام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِأَمْرِ نَهَالٍ وَيَفُوزُ ذَا كُرْ أَسْمَاءُ وَقَائِلُ صِفَاتِهِ إِلَى السَّعَادَةِ لِيُعْطَى مِنْ

تَمَسَّحِجِ طَائِفَةِ مَظَاهِرِهِ فَقَدْ سَمَّاهُ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى مُحَمَّدًا كَمَا مَكَدَ

التَّقَى لَا تَعْدُو وَلَا تَحْصِي وَنُصَلِّي عَلَى بَيْنَانِكَ وَأَوْلِيَانِكَ الَّذِينَ هُمْ أَهْلُ التَّقَى

وَبَعْدَ فَلَمَّا أَمَرْتُ بِأَلْفِ هَذَا الْكِتَابِ تَصَيَّفَ هَذَا الْخَطَابُ غَيْرَ طَرَفٍ

وَأَوْصِيَاكَ

الْبَهْلِ الْأَعْظَمِ وَالْجَلِيلِ الْأَكْرَمِ أَمِيرِ الْأَمْرَاءِ وَرُؤَسَاءِ الْكِبْرَاءِ وَمُعِينِ الْوُدَّاءِ قَوْمِ

الْمَلَّةِ نَقَطِ الْأُمَّةِ حَامِلِ الدِّينِ حَسْبُ قَلْبِي خَاتَمِ نَقَطِ السُّلْطَنَةِ لَا تَلَا تِ أَعْلَامِ

سُوكُنِهِ وَجَلَدِ مَنْصُوبِهِ لِمَا كَانَتْ تَطْمَئِنُّ فِي خِلَافَتِهِ ظِلُّ اللَّهِ لِلْمَلِكِ الْحَمَلِ

السُّلْطَانِ الْمُوَيْدِ الْمَصُوفِ فِي الْأَرْضِ بِأَبِي الْقَنُوعِ وَالْمُعَارِضِ السُّلْطَانِ السُّلْطَانِ

والخاقان بن الخاقان مضر الدين الشاه الفاجان
 خلد الله ملكه واجر في بجا التوكه فلكه وفي صدارة بحر الملك
 المعرفه والكمال وبجم الفلك العز والاقبال شمس سماء الرفعة
 والجلال بدر نجوم النزاهة والجمال ومكمل ناموس السلطنة
 مبرر اهلى اصغر خان امين السلطان صدر اعظم
 لاذالت لواء صدارته مرفوعة واعلام ابائنه مبعوثه وتلوه
 اعدائه مكوده مادامت هزبات القضاة المجرومة يادرو
 بتطيرها وكان ذلك في شهر رجب سنة رابعة عشر من مائة
 واربعة عشر خلت من هجرة خاتمة النبيين سيد البشر وسحبتها
 مفاتيح الادب في تواريخ العرب وربتها على اربعة سمفاتح كما ياتي
 ذكرها في فهرست الكتاب وانا انعم العباد احوجم في
 البلاد ابن معتمد الحضرة الخاقانية وموعن الدولة السلطانية
 الحاج احمد خان صانه الله عن الحدان محمد علي المتخلص بالعارى

سرعینیه الباری بالقبی الامین واله وصحبه الغر الميامین
المفتاح الاول فی تاریخ مملکت العمان وما یعلق به محتوی

علم ابواب و فصول **باب اول**

در حدود و مسافت و مساحت و بلاد معتبره و بنادر
مشهوره و طوائف و شاخ حالیه مملکت عمان شتمل
بر چند فصل **فصل اول** در حدود و مسافت و تعیین فراسخ ^{ان}
و بنادر عمان شرقی پوشیده نماند که مملکت و موضع
عمان بد و قطع عمده تقسیم یاقه عمان شرقی که عبارت
از مقدمات امام مسقط است و عمان شمالی که مملکت
شاخ مستبده مقدمه اطلاق میشود اما عمان شرقی که
حال کمیت قلم در احوال آن صغر در جویان است ^م جانب
بجان شمالی از جانب شرقی و شمال بحضرت و بمن متصل
است جنوبش دریا کوفه ساحش هشت هزار و نهصد و

وداع نموده بان خطه زفته اند از عزائب ابداعات
 و صنایع الهیه جَلَّتْ قدرته در سحر در جزو مذاایب
 تک دریا چشمه های اب کو را مشاهده شود و مشروب
 مردم از اب ان چشمه هاست درسی فرسخ میا خا جو
 و سویق بلدان معموره بسیار است تمام مقام سکونت
 ال بورشید و آل معدمات زنان آنها مادام اقا
 در میان خا بوره و سویق به بنج فرزند و چهار فرزند
 بارور میشوند بندرت سه فرزند میزایند هرگاه آن
 محل بجلد بگردد و دیگران تناسل در آنها نیستند
 که در کلکه از ولایات مشهوره هند وستان کونفند
 است که در هوبار به بنج و چهار استن شوند و در خارج
 بیش از دو نیارند برنجی سابقا در تصرف امام نجد
 بوده و ما مورانجا ملقب بامیر بود طائفه قواسم و بنی
 بوعلی از سکونین عمان شمالی و طائفه مراد بنی و آل علی